



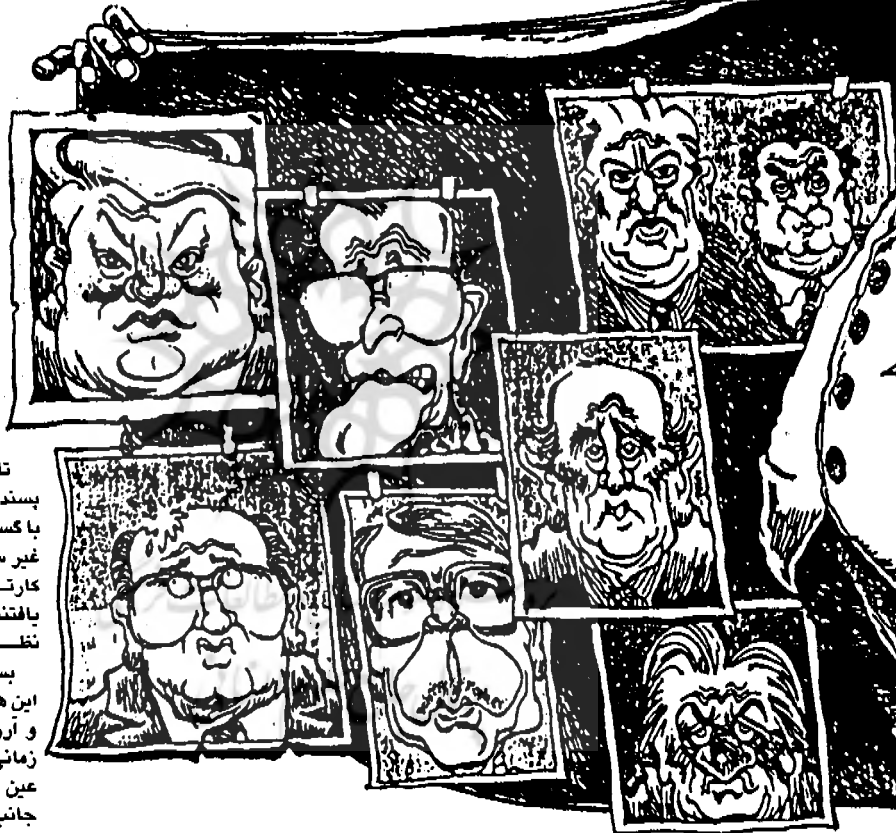
● مترجم: بهرام یعقوبی

کاریکاتور‌رئیستهای ایرلندی

به نقل از «فکونیون» شماره ۱۳

یک نویسنده برای بیان مقصود خویش می‌تواند هزاران واژه را به کار گیرد. اما یک کاریکاتورچی باید بتواند در یک فضای چند سانتیمتری و به تعدادی خط و سایه روشن همه پیام خود را بیننده منتقل کند. علی‌رغم این مسئله و شاید همین ویژگی است که یک کاریکاتور طعنه‌گر گاه می‌تواند به اندازه هزاران صفحه مطلب بسازد.

آنچه که ما آن را کاریکاتور سیاسی می‌نامیم ۱۵۰ سال پیش آغاز شده است. اما هنر کاریکاتور مراتب قدیمیتر است و رد آن به دوران نئوناس می‌رسد. چاپ اولین کاریکاتور در اروپا به قرن شانزدهم برمی‌گردد که برای انبوه جماعت بیسواد دوره بسیار موثر و عامه پسند بود. شکل‌گیری در اروپا خوراک خوبی از امکانات طعنه‌گر را به کاریکاتوررئیستها به وجود آورد.



تا قرن نوزدهم کاریکاتور در ژورنالیسم توده بسند جای خود را باز و خود را تثبیت و تحکیم کرد. با گسترش و پیشرفت چاپ رنگی، کاریکاتورهای طعنه‌گر سیاسی رونق پیدا کردند و بسرعت به سمت کارتون استریپ-های روایی (داستانی) ۳ تکامل یافتند و کم‌کم با ظهور نقاشی متحرک و تلویزیون نظر مردم به سوی آنها کشیده شد. بسیاری از کاریکاتورها به دلیل ویژگی و طبیعت این هنر حاصل کار تازه کارهاست. اولین خواسته‌ها و آرزوهای تکرر تصویرسازی و نه ادبیات بود. زمانی به ستاره معروف اپرا، انریکو کاروسو^۵ (که در عین حال کاریکاتوررئیست چیره دستی نیز است)، از جانب جوزف بولیترز^۶، ناشر روزنامه، پیشنهاد دستمزد سالانه پنجاه هزار دلار برای ارائه یک کاریکاتور در ماه شد. ولی او که تصمیم به ارائه و حفظ کار روزانه‌اش داشت، این پیشنهاد را به سربرد کرد. کاریکاتوررئیستهای سیاسی مانند بیل مالدین^۷ و کنراد^۸ و هربلاک^۹ برنده جایزه بولیترز شدند و در مجله‌های مسانند «نیویورکر»^{۱۰} کاریکاتوررئیستهای مانند جیمز تربر^{۱۱} و چارلز آدامز^{۱۲} به شکل‌گیری دیدگاه قرن حاضر یاری دادند. دین سویت^{۱۳} می‌گوید: «طعنه به شیشه‌ای می‌ماند که بیننده از ورای آن می‌تواند به کشف همه چهره‌ها جز چهره خود دست یابد». در اینجا می‌خواهیم به چهار تن از محبوبترین کاریکاتوررئیستهای ایرلندی (شاید هم مغضوبترین آنها، بسته به اینکه از چه

مقاله‌ای از ونسان دوو^۱ که حاصل دیداری با چهارتن از بهترین کاریکاتوررئیستهای عضو «انجمن کاریکاتوررئیستهای ایرلند» است. راستی اگر کتاب «الیس در سرزمین عجایب» تنها نوشته‌ای بدون کاریکاتور بود، چه جاذبه‌ای داشت یا یک روزنامه فاقد کاریکاتور چه لطفی می‌تواند داشته باشد.

چارلین ترنر / ایرلند
MARTYN TURNER/IRELAND

Martyn Turner

کسی درباره آنها نظرخواهی کنید) برداریم. از ایشان خواسته‌ایم که هر یک کاریکاتوری از چهره خود را برای ما بکشند.

ابتدا به معرفی مارتین ترنر^{۱۲} می‌پردازیم. کاریکاتورهای ترنر که به طور منظم در «آیریش تایمز»^{۱۵} چاپ می‌شود، به صورت مجموعه آثاری در ۶ جلد تحت عنوان «کسی که فاتح تور فرانسه شد»^{۱۶} توسط انتشارات گیل و مک میلان^{۱۷} منتشر شده است. او فردی ضدشخصیت‌پرستی و مستقل است، به طوری که پس از ۲۰ سال همکاری با نشریه «آیریش تایمز» هنوز استقلال فکری خود را حفظ کرده و به دور از جامعه ژورنالیست‌ها در منطقه روستایی کیلدار^{۱۸} واقع در بیرون از محدوده دوبلین^{۱۹} زندگی می‌کند. او برای جان سیاستمداران از طیف‌های گوناگون است. به طوری که خود وی با اطمینان کامل می‌گوید: «در واقع هیچکس در هیئت دولت وجود ندارد که مورد تقدیر و تحسین من قرار گرفته باشد».

ترنر پیش از رفتن به جنوب برای همکاری منظم با «آیریش تایمز» در ۱۹۷۶، به مدت ۶ سال در بلغاست سردبیری مجله «فورتن نایت»^{۲۰} را برعهده داشت. وی از کاریکاتورهای بریتانیایی، دیوید لوه^{۲۱} و روبرت سیرل^{۲۲} و تروک^{۲۳}، به عنوان افرادی که از آنها تاثیر گرفته است یاد می‌کند. در عین حال وی یادآور می‌شود که شیوه خاصش به همان اندازه که برگرفته از تاثرات او از هنرمندان یاد شده است، نتیجه و معلول چپ بودنش نیز است: امری که موجب شده وی ترجیح دهد به جای قلم از قلم‌مو برای کار کردن استفاده کند.

ترنر در ۱۹۸۸ در مرکزیت گروه معروف «هنر در حرکت سریع» قرار داشت. با وی درباره سانسور و نقش کاریکاتورهای سیاسی سخن گفتیم. او معتقد بود که اغلب ژورنالیست‌ها از کاریکاتورهای سیاسی درک درستی ندارند. بنا به عقیده وی «کاریکاتورهای سیاسی کارشان گوشزد کردن و تذکر دادن مسائل و مشکلات است. برای بهتر گوشزد کردن مسائل، گاهی اوقات انسان از لطف‌های طنزآمیز استفاده می‌کند اما کاریکاتور تنها وسیله جذب و جلب توجه مخاطبان است.»

ترنر در مورد کارش بسیار سختگیر است. وی معتقد است که بسیاری از مردم برای این روزنامه می‌خرند که ببینند چه کسی فوت کرده است. اگر شما حجم ستون ترجمیم و تسلیم روزنامه «آیریش تایمز» و «آیریش ایندپندنت»^{۲۴} را ببینید، متوجه خواهید شد که چرا تیراژ آنها به ۱۵۰/۰۰۰ نسخه می‌رسد.

دومین کاریکاتوریست ایرلندی که قصد معرفی‌اش را داریم، تام ماتیسوس^{۲۵} است. وی به خودی خود یک کاریکاتوریست سیاسی نیست، ولی شوخ طبعی و تکنیک خاص وی براحتی او را در شمار هنرمندان طنز قرار داده است.

هنگامی که ماتیسوس هشت ساله بود، کاریکاتورهای تام و جری^{۲۶} را در کتابهای درسیش کپی می‌کرد. او اولین کاریکاتوریست را در ۱۶ سالگی به فروش رساند. وی مدت کوتاهی در کارهای تبلیغاتی فعالیت داشت و بعدها به امید نقاش شدن وارد کالج هنری شد.

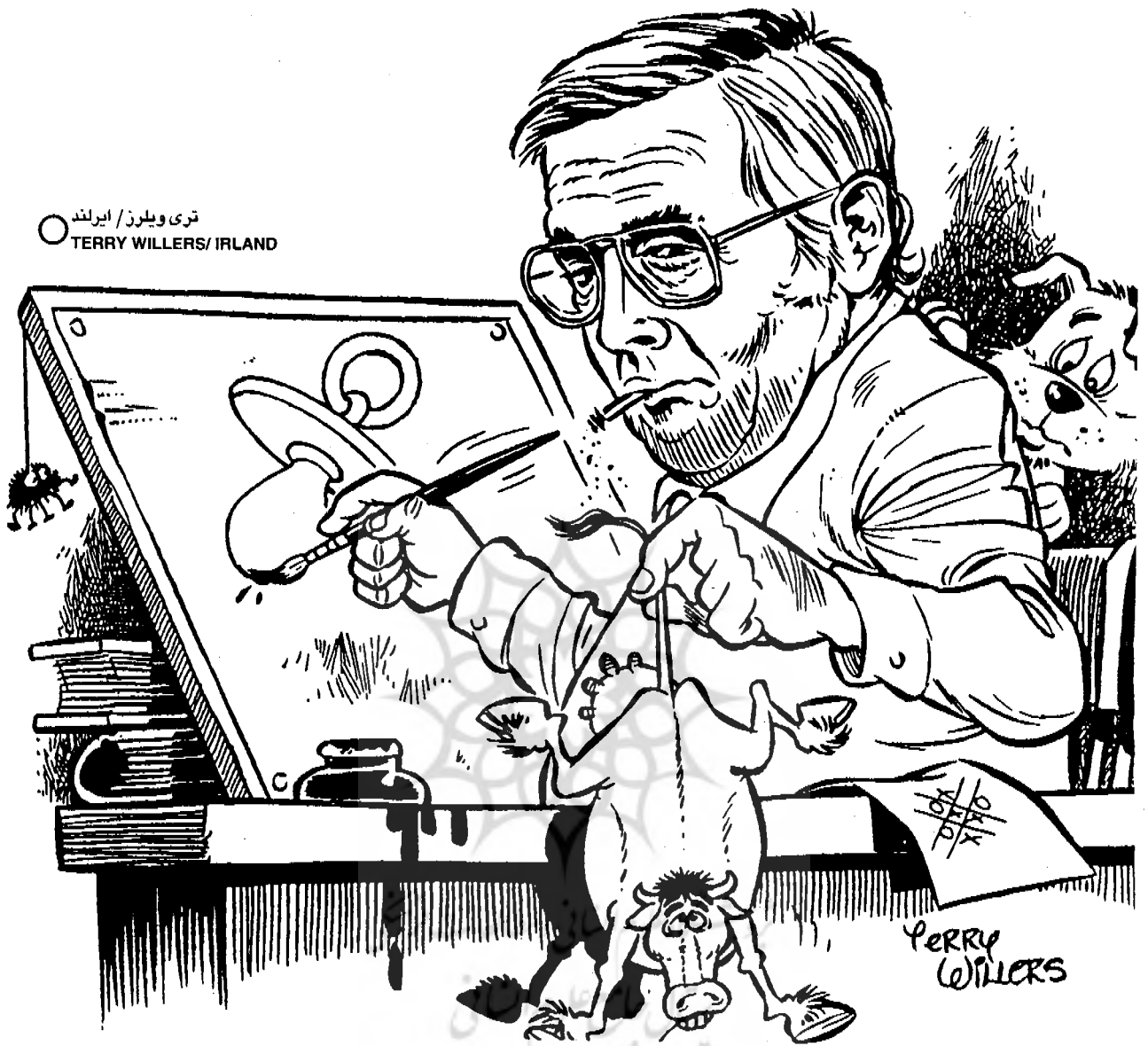
دایرة دلستگهای ماتیسوس بسیار گسترده است. او نوشته‌هایی در زمینه‌های نمایشهای رادیویی، آواز، داستان و شعر دارد و حتی یک فیلمنامه نیز نوشته است که هنوز به مرحله تولید نرسیده است. وی در ۱۹۸۶ رمانی نوشت که اکنون آن را اینگونه توصیف می‌کند: «بهاش و عذری برای رهایی از بسیاری چیزها که نمی‌توانستم در هیچ جای دیگری از آنها استفاده کنم... مجموعه‌ای از حماقت و دیوانگی». پس از این رمان، یک وقفه طولانی در کارش وجود داشت، اما رمان جدیدش، اگر چه با کندی، ولی در حال آماده شدن است.

وقتی از تاثیر هنرمندان دیگر بر روی کارش پرسش شد، گفت: «امیدوارم که نشانه‌های این تاثیرات تا حدی کمرنگ شده باشد». وی در ادامه گفت: «در ابتدا تحت تاثیر جاذبه و افسون سور رئالیست‌ها بودم، سپس شیفته کارهای رونالد سیرل شدم و بعدها به صورت غیرحرفه‌ای و تفریحی به مطالعه و بررسی آثار استدمن^{۲۷} و همه کسانی که در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در نشریات «پانچ»^{۲۸} و «پری-وت‌آی»^{۲۹} کار می‌کردند، پرداختم» وی دارای بیش از ۳۰۰ مجموعه و برگزیده آثار در زمینه کارتون و کاریکاتور است.

ماتیسوس خالق تعدادی شخصیت به یادماندنی است که معروفترین آنها یکی مستر جانسون^{۳۰} است که هنوز هم به طور منظم در «آیریش تایمز» به چاپ می‌رسد و شخصیت دیگر - ساخته وی لاری خون‌اشام^{۳۱} است که آن هم زمانی مرتب در نشریه «در دوبلین»^{۳۲} به چاپ می‌رسید. وقتی از سرنوشت لاری خون‌اشام از وی پرسیده شد، او اعتراف کرد که به این شخصیت مهر شدیدی دارد و از احتمال بازگشت دوباره آن به صفحات نشریه «در دوبلین» سخن گفت.



آنگوس کالینز / ایرلند
AONGUS COLLINS/IRELAND



شده است که کاریکاتورهایی که از وی ترسیم شده، با یک نگاه قابل تشخیص باشند. گاهی یک عمل یا حرکت خاص، بسیار بیشتر از شباهت ظاهری کاریکاتور به شخص موضوعش آن را قابل تشخیص می‌سازد، مانند تغییر موی یک شبه دسی امالی^{۴۱} که البته این نه شباهت، بلکه یک سمبل است.

کالینز می‌گوید: «گاهی برای بسیاری از کاریکاتوریست‌هایی که در روزنامه کاری می‌کنند، شرایطی بیش می‌آید که آنها را عصبی می‌کند.»

به عنوان مثال در این مورد باید قضیه‌ای را بازگو کنم. روزی آلبرت رینولدز^{۴۲} کاندیدا توری خود را برای رهبری «فیانا فیل»^{۴۳} اعلام کرد. کاریکاتوری از وی کشیدم که می‌بایست در روزنامه روز بعد به چاپ می‌رسید. ولی ساعت ۹ شب هاسکی^{۴۴} وی را

هفته‌ای یک کاریکاتور از وی در نشریه «ایونینگ هرالده»^{۴۵} و سرانجام به یک همکاری پنج ساله، به عنوان کاریکاتوریستی که روزانه کارش به چاپ می‌رسید، منتهی شد. او در اگوست ۹۲ همکاری خود را با نشریه «استار»^{۴۶} آغاز کرد و از آن پس همه روزه کاریکاتورهایی از وی را با امضای مستعار اسکرج (Scratch) در این نشریه به چاپ رسید. از وی دو مجموعه به عنوان‌های C.I.H و «افسانه 2»^{۴۷} U^{۴۸} به چاپ رسیده است بخشی از آنچه که طراحی کاریکاتور سیاسی را ممکن می‌سازد، اتفاق نظر در این باب است که هر شخصی چگونه نگاه می‌کند. کالینز کاریکاتور را «رویکردی تند و فشرده نگارانه به هنر» تعریف می‌کند و برای مثال وی به «مارگارت تاچر»^{۴۹} اشاره می‌کند که مشخصه‌هایی مانند: بینی منقار گونه و دندان‌های بزرگ و چشمان شیدایش موجب

گرچه ماتیوس از تخیلات و آرزوهای آغازین هنری خود به عنوان رویاهای رمانتیک یاد می‌کند، اما با اینهمه در ژوئن ۱۹۹۳، وی نمایشگاهی از آثارش شامل ۲۳ تصویر برای موضوعات «الیس در سرزمین عجایب» و «زمیان آینه»^{۳۳} در «تمیل بارگالری»^{۳۴} برپا کرد.

سومین کاریکاتوریست ایرلندی که در اینجا معرفی می‌کنیم، آنکوس کالینز^{۳۵} است. وی پیش از آنکه وارد عرصه زورنالیسم شود، دو سال از زندگی‌اش را در کشاکش و دوندگیهای خدمات اجتماعی سپری کرد. در ابتدا برای یک نشریه فنی کاری کرد و در عین حال به هنر کاریکاتور به عنوان یک سرگرمی توجه داشت و گاه و بیگاه با نشریاتی مانند «در دویلین» و «فونیکس»^{۳۶} و مجلات گوناگون ایرلندی زبان همکاری می‌کرد. این روند به چاپ

- 1- VINCENT DEVEAU
- 2- LEONARDO
- 3- NARRATIVE COMIC STRIPS
- 4- THACKERAY
- 5- ENRICO CARUSO
- 6- JOSEPH PULITZER
- 7- BILL MAULDIN
- 8- CONRAD
- 9- HERBLOCK
- 10- NEW YORKER
- 11- JAMES THURBER
- 12- CHARLES ADDAMS
- 13- DEAN SWIFT
- 14- MARTYN TURNER
- 15- IRISH TIMES
- 16- THE GUY WHO WON THE TOUR DE FRANCE
- 17- GILL AND MACMILLAN
- 18- KILDARE
- 19- DUBLIN
- 20- FORT NIGHT
- 21- DAVID LOWE
- 22- ROBERT SEARLE
- 23- TROG
- 24- IRISH INDEPENDENT
- 25- TOM MATHEWS
- 26- TOM AND GERRY
- 27- STEADMAN
- 28- PUNCH
- 29- PRIVATE EYE
- 30- MR. JOHNSON
- 31- LARRY THE LEECH
- 32- IN DUBLIN
- 33- THROUGH THE LOOKING GLASS
- 34- TEMPLE BAR GALLERY
- 35- AONGUS COLLINS
- 36- PHOENIX
- 37- EVENING HERALD
- 38- STAR
- 39- LEGEND OF U2
- 40- MARGARET THATCHER
- 41- DESSIE O'MALLEY
- 42- ALBERT REYNOLDS
- 43- FIANNA FAIL
- 44- HAUGHEY
- 45- TERRY WILLERS
- 46- WICKLOW STUDIO
- 47- DAN DARE
- 48- ROBIN
- 49- PIXIE PIP
- 50- FRANK HALL
- 51- NEWSBEAT
- 52- HALL'S PICTORIAL WEEKLY
- 53- DEVONSHIRE
- 54- LITTLEMAN
- 55- A.K.A. BILLY DRAKE
- 56- SUNDAY TRIBUNE
- 57- SUNDAY PRESS
- 58- SUNDAY BUSINESS POST
- 59- PAT O'BRIEN
- 60- JIM COGAN
- 61- SUNDAY INDEPENDENT



تام ماتیس / ایرلند
TOM MATHEWS/ IRLAND

برکنار کرد و به همین دلیل مجبور شدم که در عرض ۲ ساعت (یعنی تا ساعت ۱۱ همان شب) کاریکاتور دیگری را طراحی و جایگزین کاریکاتور قبلی کنم. فکر می‌کنم این مثال توضیح گویایی از شرایط کار کاریکاتوریست‌هایی باشد که در روزنامه‌ها مشغول کارند.

و اما چهارمین کاریکاتوریست ایرلندی که در اینجا به معرفی او می‌پردازیم، تری ویلرز^{۴۵} است که کارهایش روزانه در «ایونینگ هرالد» چاپ می‌شود. وی نیز مانند دوستش مارتین ترنر، زندگی به دور از آشوب و غوغای ژورنالیست‌های ساکن دوبلین را برگزیده است. او را در استودیوی خودش، «ویکلواستودیو»^{۴۶}، واقع در پشت خانه بازسازی شده زیبای دوران ویکتورین که ماسن سگها و پرندگان و ماهیها نیز هست، دیدار کردیم... ویلرز در ابتدا به عنوان پادو در استودیوی فیلم انگلیس مشغول به کار شد. در آنجا بود که توسط شخصی که از نظر شهرت کمتر از ولت دیسنی نبود، با حرفه‌اش آشنا شد. این شخصیت معروف در اولین برخورد با ویلرز در استودیوی انگلیس به مهارت و استعداد وی پی‌برد و به او پیشنهاد کار در هفته‌نامه «میکی‌ماوس» را داد. در پاسخ به پیشنهاد وی ویلرز گفته بود: «البته باید درباره آن فکر کنم»، ولی بعد بلافاصله پیشنهاد را پذیرفته و مشغول کار شده بود. سپس از دیسنی، او پست نشریه کمدی «عقاب» و «دن‌دیر»^{۴۷} «رابین»^{۴۸} «پیکسی پپ»^{۴۹} رفت.

ویلرز ۳۰ سال پیش به ایرلند آمد و بلافاصله پس از ورودش به RTE پیوست و شروع به همکاری با فرانک هال^{۵۰} در «نیوزپیت»^{۵۱} و بعدها هفته‌نامه بسیار معروف «هالز پیکتوریال ویکلی»^{۵۲} کرد. وی از دوران همکاری با RTE به خوبی یاد می‌کند: «آن روزها کار در آنجا بسیار لذت‌بخش بود».

علی‌رغم تفاوت‌های بسیار بین ویلرز و ترنر، بین آنها رابطه دوستی خوبی برقرار است. اگر چه هر دوی آنها در انگلیس متولد شده‌اند، ولی ویلرز اهل مزرعه دوونشایر^{۵۳} است. برای او تپه‌های ویکلو، ایستاده در آن سوی پنجره استودیو، در واقع بازگشتی به مناظر و خاطرات کودکی‌اش و نه یک عقب‌نشینی از شهر است. وی همانند ترنر معتقد است که ژورنالیست‌ها و ارباب جراید قطعا درک درستی از کارهایش ندارند و نمی‌دانند که در پس این نقاشی‌ها و خطوط چه چیزهایی نهفته است.

با معرفی چهارمین کاریکاتوریست یاد شده، به عنوان کاریکاتوریست‌های معروف ایرلند، ممکن است بسیاری اعتراض کنند و بگویند که ما باین کار تنها بخش اندکی از جامعه کاریکاتوریست‌های ایرلندی را مطرح کرده و هنرمندان محبوب دیگر را از قلم انداخته‌ایم. من با پذیرش این مطلب، اضافه می‌کنم که در ایرلند کاریکاتوریست‌های دیگری هم هستند که از محبوبیت و شهرت برخوردارند که از آن جمله می‌توان از لیفل من^{۵۴} و آ.ک.آ بیلی دریک^{۵۵} که به صورت حرفه‌ای در «ساندی تریبیون»^{۵۶} ساندی پسر^{۵۷} و «ساندی بیزنس پست»^{۵۸} کار می‌کند و پت‌ابرین^{۵۹} که کارهایش در «ساندی تریبیون» چاپ می‌شود و جیم‌گوگن^{۶۰} که برای «ساندی ایندپندنت»^{۶۱} کار می‌کند، نام برد.